

فرهنگ نام

معین

www.ketab.ir

کریم معینی

اختلاف خلق از نام افتاد چون به معنی رفت آرام افتاد

مقدمه :

انسانهای نخستین برای آگاهی و انتقال اندیشه ها از نقاشی و علامت های ویژه استفاده می کردند، اما به تدریج الفبای نوشتن و خواندن در بین آدم ها رواج پیدا کرد. آنها برای ثبت و ضبط و بیان خصوصیات ظاهری و باطنی افراد، به ویژه فرزندان تا زمان انتخاب نام ابتدا مدتی نوزاد را به نام پدر خود می نامیدند و در اولین فرصت از واژه های متناسب با ویژگیهای نوزادان و یا خواسته های درونی، فرهنگ و دین و آیین خود، نامی که در واقع کارنامه ی خلاصه شده ی اعمال آن فرد بود استفاده می کردند. البته این نام ها متعدد و گاهی متغیر بودند.

واژه و کلماتی که بر زبان جاری می سازیم، برای برقراری ارتباط و ابراز احساسات، فهم و درک و برطرف کردن نیازهای جسمی و روحی متقابل بین انسانهاست، و اگر نه سخنی را که نفهمیم و فقط آن را حفظ و قرائت کنیم و به آن عمل نکنیم چه سودی دارد و چرا باید گفت؟! و یا اینکه اگر کلمه و لغتی را با واژه ای نا مفهوم تر، سخت تر و غیر کاربردی تر معنی کنیم، جز هدر دادن زمان و زمین! بهره ای نخواهیم برد. سرگرم کردن و بازی دادن و باز نگه داشتن آدم ها از حقیقت و واقعیت وجودی زبانها و واژگان، آنها را از حقیقت زندگی و زنده ماندن باز می دارد. مشکلات ما انسانها بیشتر مسائل کیفی است نه کمی. کتب مقدس بویژه قرآن کتاب معنی هستند نه برای تشریفات و حفظ و قرائت، خداوند متشاء و مظهر معنا در قرآن است. ما انسانها بویژه مسلمانان باید روش معنوی و معنایی واژه ها را عمل کنیم. قدرشناسی و نودوستی را ترویج

نمائیم. مسلمانان باید بدانند که پیامبر(ص) از عمل قدرشناسی و سپاس گذاری خدا و خلق و الحمد گویی محمد(ص) شد.

می توان گفت که علت بسیاری از مسائل اقتصادی، فرهنگی و حتی سیاسی ما، دوری از مفاهیم کاربردی واژه هاست، ما باید مؤمن به مفهوم عملی اقتصاد (صرفه جویی) باشیم، یعنی وقتی که می گوئیم حی علی خیر العمل، در عمل نباید این همه استخاره و آزمون و خطا کنیم. انسانها به آگاهی بیشتر از آزادی نیازمندند، آگاهی لازمه زندگی است، نا آگاهی آدمی را از مسیر خدایی دور می کند، این دوری از معشوق و معبود خدایی، بشریت را به زحمت و دردسر های غیر الهی گرفتار کرده و بیشتر خواهد کرد، حجاب و گرد و غبار کهنه ای در بیشتر «بی آب» آن های فرهنگی، دل های بیابانی و سنگی نهادینه و درونی شده؟!

تمام و خلاصه کلام پیام آوران الهی و فکر و ذکر حضراتی چون مولانا، فردوسی، سعدی و حافظ و... همین است که: چرا عشق و بندگی خدا آسان بود اول، ولی افتاد مشکل ها؟!

تعریف نام؟

نام، ترکیبی از چند صداست که موجودیت و هویت واقعی یک فرد را در بین جامعه انسانی در روی زمین و در زمان نشان می دهد. نام یعنی تبدیل یک فکر و اندیشه به رفتار و تبدیل معنی به ذات و حقیقت و واقعیت است. عبارت دیگر حقیقت و واقعیت منظم هرکس و هرچیز و اصل و موجودیت، معنی، مفهوم و صورت ظاهر و باطن افراد و اشیا که بعنوان صفت، شهرت و اسم بکار گرفته میشود.

در قدیم افراد با توجه به خصوصیات اخلاقی و صفات بارز جسمی و ظاهری، نامی شایسته پیدا می کردند که نسبت به زمان و مکان در بیشتر موارد متغیر و متعدد بود، عالمان و کسانی که دارای ثروت و قدرت بودند از القاب زیادی برخوردار می شدند و بهترین نام ها با معانی زیبا را به خود اختصاص میدادند. با پیشرفت علم و تکنولوژی و

رشد جمعیت انسانی، جهت جلوگیری از تداخل اسمی، نام خانوادگی جایگزین القاب و نام مکانی که معمولاً نام محل تولد افراد بود گردید. به نظر می رسد که بهترین، عاقلانه ترین و منطقی ترین نوع نام گذاری فرزندان این باشد که خانواده ها، نام هایی برای فرزندان خود انتخاب کنند که ضمن داشتن معانی و مفاهیم زیبای الهی و طبیعی، این اسامی دستخوش مسائل سیاسی و حکومتی نگردد و با کارنامه، صفات جسمی و روحی و اخلاقی فرد تناسب داشته باشد. بدون تردید نام های کلیشه ای، تقلیدی و نام هایی که در اثر تبلیغات سیاسی در یک برهه از زمان در روی زمین مرسوم و رایج می گردند با تغییر اوضاع فرهنگی و اجتماعی خیلی زود کهنه و بیات می شوند این کار موجب رنجش خاطر و شرمندگی صاحب آن نام و در نهایت تغییر نام می گردد.

نام گذاری در قدیم:

یکی از روش های نامگذاری افراد در قدیم اینگونه بود که او را به نام روز و یا مکانی که در آنجا به دنیا آمده بود می نامیدند، البته در اکثر خانواده ها، بعد از فوت پدر بزرگ و مادر بزرگ، رسم بود که نوزادان تازه متولد شده را بنام آنها نامگذاری کنند.

در عصر پدرسالاری و حاکمیت فرهنگ تعصب و غیرت مردانگی، مردان بویژه در بین عشایر از نامیدن و بر زبان جاری ساختن نام واقعی همسران و دختران خود پرهیز می کردند و آنرا یک نوع بی غیرتی! و بدنامی! میدانستند. حتی وقتی خودشان آنها را خطاب می کردند، در مواقع ضرورت بجای نام واقعی، نام اولین فرزند مذکر یا واژه های مثل خانم بچه ها، حاج خانم، عیال، مادر بچه ها و یا از نام خانوادگی استفاده می کردند. چرا که دوست نداشتند، طایفه مقابل و همسایه ها نام همسرانشان را بشنوند و از ویژگیهای آنها باخبر شوند، این قضیه به حدی مرسوم بود که اگر اسم همسر مردی بااصطلاح باغیرت، توسط مردی غریبه گرفته می شد، قلبش به تپش شدید می افتاد و صورتش سرخ، رگهای گردنش متورم می شد و خونسش به نقطه جوش می رسید؟! و چه بسا که باعث درگیری و جنگ قبیله ای می گشت؟! برخلاف بعضی از مردان امروزی که

جهت نشان دادن روشنفکری خود در جامعه نام همسرانشان را با پسوند عزیزم و جان بکار می برند.

همچنین در زمانی نه چندان دور، بعضی از خانواده ها نام فرزندان خود را از روی لج و لجبازی! و مقابله به مثل به تقلید از نام فامیل و همسایه ها انتخاب می کردند.

خانواده های مذهبی هم در نامگذاری فرزندان، خود را مکلف به گذاشتن نام پیام آوران الهی و امامان معصوم میدانستند، در نتیجه این عمل، در یک خانواده و یک کوچه چند نام مشترک با تشابه اسمی و خانوادگی، حتی با یک نام پدری بوجود می آمد!

نام نیک، اولین و بهترین هدیه والدین به فرزندان:

امروزه یکی از مهمترین دلایل نامگذاری افراد، توجه به معنی و مفهوم نام و تشابه و تطبیق نام با فرهنگ و اعتقادات و تمایلات درونی و بیرونی خانواده هاست.

ضرب المثلی است که می گویند نام خوب، بخت خوب! لذا اکثر خانواده ها سعی می کنند برای فرزندان نام های زیبا و هماهنگ با نام و نام خانوادگی افراد خانواده انتخاب بکنند، تا آنها در آینده ضمن خوشبخت شدن، به نام خود نیز افتخار کنند و نام نیکی برای والدین باقی بگذارند.

اولین و بهترین هدیه والدین به فرزندان انتخاب و دادن نام نیک به آنهاست.

البته در طول تاریخ ثابت شده که گاهی نام ها به افراد هویت، اسمیت، شهرت و اعتبار می دهند و گاهی اندیشه ها و رفتار افراد به واژه ها و نام ها، اعتبار، مقبولیت و شهرت می بخشند.

در تقسیم بندی کلی معانی و مفاهیم نام ها، بطور کلی می توان گفت که بیشترین فراوانی در مفاهیم نام آقایان، نیرومندی و پهلوانی، بزرگی و عظمت، جوانمردی و بخشنده گی و داشتن ایمان و تقوا و داشتن مال و ثروت و در بین اسامی خانم ها، زیبایی، خوش اخلاقی، محبت و دوستی، خنده و شادی، و شیرینی موج می زند. به ندرت در بین اسامی افراد مفاهیم غیرخدایی، غیر انسانی و غیراخلاقی دیده می شود. تقریباً همه انسانها دوست دارند معنی و مفهوم نامشان زیبا و مثبت و باعث افتخار و سربلندی آنها در جامعه باشد. معدود افرادی هستند که در اثر ناآگاهی والدین و یا سیاست های شیطانی سلاطین شیرصفت که

جامعه انسانی را با جامعه حیوانی جنگل یکی میدانند، هم نام و هم معنی جانوران و جامدات نام گذاری شده اند.

نام گذاری و نیکی نام آنقدر ارزشمند و بااهمیت بوده و هست که خداوند در تمام ادیان بویژه در دین مبین اسلام به آن سفارش و تکلیف نموده. امروزه چون نوزادان در نامگذاری خود دخالت چندانی ندارند و تغییر نام آنها نیز گرفتار مسائل عدیده ای می باشد، پس بر والدین و مسئولان تکلیف است که باتوجه به شرایط فرهنگ الهی و انسانی، عالمانه و آگاهانه نسبت به انتخاب نام نیک برای فرزندان خود اقدام نمایند.

اهمیت ریشه یابی و مفهوم نامها :

جامعه بشری در مسیر تکاملی آزاد اندیشانه خود، شایسته است که مفهوم و ریشه(اتی مالوژی) واژه هایی را که در زندگی روزمره بکار می برد بشناسد. در واقع ابزار در علوم انسانی مفهوم(ترمولوژی) است. فلسفه وجودی زبان ها و نام ها، درک و فهم متقابل نیازهای فردی و اجتماعی انسانها نسبت به یکدیگر بوده و هست.

امروزه در عصر جدید با توجه به ارتباطات بین الملل شایسته است والدین نامی برای فرزندان خود انتخاب کنند که در اکثر زبان های زنده جهان معنا و مفهوم مناسب و زیبایی داشته باشد و یا حداقل در زبانهایی که شخص نامگذاری شده در ارتباط با آنها قرار دارد مفهوم نامناسب و ناشایستی نداشته باشد.

هدف کلی در این فرهنگ نام، این نیست که بگوییم فلان کلمه ترکی، کردی، فارسی و یا است و یا اینکه خدای ناکرده به برتری زبانی و فرهنگی معتقد و تعصب داشته باشیم که این عین جهالت خواهد بود! بلکه هدف این است که با پی بردن به مفهوم و معنی(ترمولوژی) واژه ها و نام ها آرام بگیریم، به آرامش و خوشبختی برسیم و به ضرورت لذت تعاملات و ارتباطات آدم ها و نقش معنی و مفهوم و هدف واژه ها در زبانهای مختلف در جهت سعادت و آرامش الهی و عاشقانه در بهشت معشوق و معبود به خداگونه شدن برسیم.

نامه کی شود آغاز بی نام	زندگی هست برنامه ای با نام
در جام نیست جمی بی نام	هر نام را هست معنی در جام
اختلاف خلق هست ز نام	چون به معنی روند شوند آرام
چون ندانی معنی نام هستی خام	هر برنامه ای با معنی شود انجام
مرحبا بر ایبزد خوشنام	آفرین بر آدم نیک نام
آفریده شدند خلق بی نام	نکونامی نشود هرگز گم نام



زیس معنا دارم در وجودم	که از درون خود همی بیرونم
این ره سخت را عاشقانه طی کردم	تا که عشق را هر زمان معنا کنم
در معنسای عشق تردیدی ندارم	این واژه را در هر زبان معنا کنم
خواسته ام لحظه ای عشق را معنا کنم	شاید از جان خویش قطره ای پیدا کنم

اهمیت معنی ادبیات در زندگی ؟

در عالم ادبیات در عرصه معنی باید رفت، خدا، عشق و محبت در عرصه معنی تجلی و ظهور پیدا می کنند. ادبیات شکل رشد یافته ی تجربه های انسانی که به واژه یا کلمه تبدیل شده است می باشد.

ادبیات یک راه هست، فرصت است، فرصت بال و پر زدن در تجربیات دیگران برای زندگی بهتر است. ادبیات کلمات و حرفهایی هستند که بین مردم پرواز و رد و بدل می شوند.

ادبیات ما را با حقیقت روبرو می سازد، با مفهوم انسان، زندگی و زیباشناسی که نشانه های خردمندی هستند آشنا می سازد.

متأسفانه بعضی ها بخاطر اینکه حقیقت و رسیدن به عالم معنی ورزش و ریاضی لازم دارد، بیشتر به دنبال بازی و سرگرمی می روند. اکثر آدم ها آسان پسند و ظاهرین هستند و منتظر یک فرشته آسمانی و یا سوپرمن زمینی هستند تا نیازها و مشکلات آنها را برآورده سازند.

آموزش و پرورش امروزی بدون پرداختن به معنی و مفهوم و اهداف کلی خدا و خودشناسی از طریق ادبیات، ریاضی (ورزش و تمرین سختی)، تاریخ (زمان و وقت شناسی)، جغرافی (زمین و مکان شناسی) و ... نمی تواند انسانها را در راه خدایشان و رسیدن به آرامش تربیت و موفق سازد.

اگر ما به معنی و مفهوم ادبی احکام الهی توجه عارفانه و عادلانه داشته باشیم متوجه خواهیم شد که مثلاً در نماز خواندن و روزه گرفتن ادبیات (اندیشیدن و بیان حق و توجیه زیبای قدرشناسی)، ریاضی (ورزش و تحمل سختی و کسب تندرستی)، بهداشت (نظافت و وضو و سلامتی) و اقتصاد (صرفه جویی، بهره وری از امکانات موجود) مبارزه با نفس و... صدها حسن الهی در راه شناخت و رسیدن به معشوق و بهشت و آرامش قرار دارد.

پیش گفتار :

در جهان هستی تمام موجودات در ارتباط زیستی و کلامی قرار دارند، حتی گیاهان هم مانند جانوران جامعه پذیر، اجتماعی و در تعامل با طبیعت و هموعان خود حرف می زنند، شنوایی دارند و در بین هموعان خود بیشتر رشد میکنند .

چون و چرایی تشکیل صداها و کلمات در زبانهای مختلف و فلسفه ساختاری واژگان در ادبیات و فرهنگ مردم، ما را بر آن داشت که معانی واقعی بعضی از واژگان را در حداطلاعات و تجربیات خود، در یک فرهنگ نامه ویژه جمع آوری نمائیم.

بدون تردید در عصر حاضر زبان فارسی رایج در جامعه آمیخته ای از واژه های فارسی، عربی، ترکی، انگلیسی، فرانسوی، یونانی، روسی و ... که با نفوذ فرهنگ و تبادلات فرهنگی و مسائل اجتماعی و ... حاصل شده می باشد.

فرضیه و هدف کلی در این فرهنگ این است که: در بدو خلقت در ادبیات فردی و تعاملات اجتماعی، صداها و واژه ها با توجه به معنی و کاربرد واقعی و حقیقی و شرایط اقلیمی در هر زمین، زمان و زبان ساخته و پرداخته شده که بعضا در طول زمان در اثر مسایل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی تغییر شکل داده شده اند، به عبارت ساده تر: نوع اندیشه و باورهای والدین و رفتار و گفتار و شکل ظاهری و جسمی انسانها بویژه کودکان و دیگر موجودات در تعیین نام و کارنامه آنها نقش اصلی را داشته است، مگر در موارد استثنایی که در اثر اشتباهات فردی معنی و نامگذاری شده است.

بعنوان مثال چون حضرت موسی (ع) را در نوزادی از آب وود نخل گرفتند، عبری زبان ها او را موشه و اعراب او را موسی، یعنی... از آب گرفته شده نامیده اند و یا پیام آور بزرگ اسلام به این دلیل ابتدا ابن عبدالله (پسر عبدالله) و بعد محمد (ص) نامیده شدند که همیشه در مقابل خدا و خلق خدا و نعمت های الهی و حتی سختی های طبیعت «الحمد» و الحمدلله، الحمد یا آبی و الحمدیا آخی می گفتند.

و یا در زبان انگلیسی وقتی در زندگی و یا در یک بازی میگویند: به (Goal) گل رسیدیم یعنی به هدف رسیدیم و همچنین در زبان ترکی وقتی برگ های گیاهی زیبا در

زمان آفرینش و آمادگی تولیدمثل مانند لب های انسانها از هم باز شود و بخندد و یا بر عکس قضیه لبان آدم ها مثل گلبرگ های گیاهان با خوشی و نیکی باز شود، نام او را «Gull=گیول = خنده» و یا بقول فارس ها «گل» می نامند.

لازم می دانم اقرار نمایم که این فرهنگ نامه، در هر زمین و در هر زمان قابل اصلاحات و محتاج ارزیابی و کمک اندیشمندان، نیک اندیشان و کریمان روزگار می باشد.

با احترام: کریم معینی

۱۳۸۹

www.ketab.ir

نام ماه	نام اوستایی زرتشتی	معنی	معادل
فروردین	(ادوکن نیش)	کندن جوی	ایزد فروهر، همزادان آن، جوانی مردمان اند که روز اول بهار به زمین می آید و برای بردم دعا می کند
اردیبهشت	(نور واهر)	وج بهار	یزد+ هشت که موکل آتش و نظم زندگی و اوج رویش گیاهان
خرداد	(تائی گرچی)	ماه سیرچیدن	یزد هورتات که اوج رویش گیاهان و وکیل برگیه آب . و تندرستی
تیر	(گرم بد)	مای گرم پس از گرما	یزد تشتی و باران های تند و متناوب
مرداد	(درم باجی)	چاودانگی ماه تندرستی است	یزد امرتات که او هم مانند ایزد هورتات یا خرداد گیاه و آب
شهریور	(کاریاشیا)	ماه برداشت و روت محصول	شهریور ایزد خستروئیری، سرور دارایی
مهر	(بایگادنیس)	پرستش خدا	یزد متیره یا میترا ماه زایش و نوزایی مانند بهار
آبان	(ورگزن)	ماه شکار گرگ	یزد آناهیتا که بانوی آب ها که در این ماه منتظر آبان بوده است
آذر	(اثری یادی)	ماه پرستش	یزد آتر و یا خدای آتش، آمادگی (سرما ی سخت) رای شروع سرما آتش
دی	(انامک)	یزد اسرار آمیز	یزد دثنا، آفرینش، سختی سرما، گذران طولانی ترین سب، باصطلاح خورشید نیروگیر و ایزد و بینام بردایش رشد و قدرت میگیرد
بهمن	(ستامیا)	صل سرد	یزد هومنه، اندیشه نیک
اسفند	(ویغن)	ماه شخم زدن	یزد سپندارمند، ایزد بانوی نگهدار زمین ودانه ها و ذررها